

راهبرد تهدیدات نرم دشمن و تاثیر آن بر استحاله فرهنگی

(با تاکید بر رهنمودهای مقام معظم رهبری)

غفار زارعی^۱، مسلم بامری^۲

چکیده

استحاله فرهنگی بعنوان یکی از نشانه‌های افول اهداف راهبردی کشورها و واحدهای سیاسی محسوب می‌شود. هر کشوری که در معرض قدرت و کنش معطوف به امنیت‌سازی قرار گیرد، نیازمند بهینه‌سازی موقعیت خود از طریق گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی است. دشمن همواره در تلاش است برای بسط و گسترش تهدید خود در گام اول بر جوامع هدف و در درجه بعد بر تمام جهان دست پیدا کند و با سود جستن از فناوری برتر و قدرت ارتباطی و رسانه‌ای خود، سیاست‌های استعماری نوینی را به مرحله اجرا بگذارد. در دهه‌های اخیر مقام معظم رهبری بارها به مسئله تهدیدات نرم دشمن اشاره فرمودند، ایشان هدف دشمن از تهدید نرم در کشور را که عده‌ای آن را باور نداشتند و هنوز هم باور ندارند، فرهنگ و اخلاق اسلامی می‌دانند و معتقدند که دشمن می‌خواهد هرآنچه خود بیسندد به افکار و عقاید ملت ما منتقل کند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط- فرهنگ فساد و فحشاء سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد، کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک "شبیخون فرهنگی" یک "غارت فرهنگی" و یک "قتل عام فرهنگی" است. نوشتار حاضر با هدف تبیین راهبرد تهدید نرم دشمن (جنگ نرم و نفوذ) و چگونگی تاثیر آن بر استحاله نمودن فرهنگ کشور در اندیشه مقام معظم رهبری به روش اسنادی-توصیفی و تحلیلی به استناد سخنرانی‌های ایشان در دهه‌های اخیر انجام شده است.

واژگان کلیدی: جنگ نرم، نفوذ، استحاله فرهنگی، تهدید دشمن

^۱ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد ghafarzarei@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

مقدمه

دشمنان انقلاب اسلامی بعد از دوران دفاع مقدس و جنگ سخت با تغییر تاکتیک به جنگ نرم روی آوردند و در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از راه‌های مختلف مثل تحریم‌ها، جاسوسی‌ها، ترورها، نفوذها و ... با ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی خود درصدد نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی بودند. در همین راستا مقام معظم رهبری معتقد بودند جنگ نرم دشمن در حقیقت یک اقدام پدافندی در مقابل آفند نرم انقلاب اسلامی است. بطور مسلم فرهنگ‌گریزی و گرایش اقشار جامعه به فرهنگ بیگانه تهدیدی برای کشور به شمار می‌رود. با نگاه به سبک زندگی جامعه خودی و مطالعه برخی از رفتارهای اجتماعی، این مسئله را به صورت ملموس به دست می‌آید که در دو دهه اخیر و به خصوص پس از پایان هشت سال دفاع مقدس و گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی در بین جامعه ما رشد صعودی یافته است و گروه‌هایی از مردم بویژه جوانان، به علل گوناگون، از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده‌اند. بگونه‌ای که وقتی در بین برخی از آنها از دین و فرهنگ خودی سخن به میان می‌آید، به صورت آشکار بی‌میلی و بی‌علاقگی خود را به فرهنگ اصیل ایرانی اظهار می‌کنند.

از شیوه‌های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی کشورها، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است. رفاه مادی و بهره‌جویی و لذت بردن بی‌حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات، اخلاق و انسانیت، از نمونه‌های آن است. آنها انسان بی‌بند و بار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاول‌گر، بی‌دین و لامذهب و در یک کلام، انسان مادی را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل‌عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند. در این تحقیق، بیانات عالمانه و حکیمانه مقام معظم رهبری مبنای اصلی تحقیق قرار گرفته است و با تحلیل موضوعی سخنرانی‌های ایشان سعی شده است تهدیدات نرم دشمن (نفوذ و جنگ نرم) و تاثیر آن بر استحاله فرهنگی بطور دقیق و مفصل، تشریح و تبیین گردد.

شرح مفاهیم پژوهش

۱- جنگ نرم

جنگ نرم از مقولاتی است که امروزه به کرات در سخنرانی‌ها و از تریبون‌های مختلف به گوش می‌رسد، این واژه اشتراکات گسترده با واژه‌هایی دیگر نظیر عملیات روانی، جنگ سرد، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، تهدید نرم و جنگ نامتقارن دارد. در برابر محققانی که پیشینه‌ای دیرینه برای مفهوم جنگ نرم گردآوری کرده‌اند، محققان دیگری وجود دارند که قدمتی کمتر از دو دهه برای مفهوم تهدید و جنگ نرم قائل هستند. این گروه بر این باورند که بلافاصله پس از طرح مفهوم قدرت نرم از سوی جوزف نای، مفاهیم تهدید و جنگ نرم وارد ادبیات سیاسی و گفتمان رایج شد. به گمان آنان جنگ نرم عبارت است از توانایی شکل دادن به علائق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره‌گیری از زور است. «در قرن بیست و یکم، تحت نفوذ انقلاب اطلاعاتی و جهانی‌سازی، منابع و شیوه توزیع قدرت بگونه‌ای عمیق در حال دگرگونی است. بازیگران غیردولتی قدرت بیشتری کسب کرده و در نتیجه، فعالیت‌های بیشتری در خارج از کنترل حتی قدرتمندترین دولت‌ها صورت می‌گیرد» (کرمی، ۱۳۸۷: ۵۶). گروهی جنگ نرم را عبارت از استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی می‌دانند که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود (علیمردانی، ۱۳۹۵: ۹۱). جنگ نرم نوعی جنگ سرد است که سرانجام به استحاله فرهنگی جامعه منجر می‌گردد (ساندرس، ۱۳۸۲: ۱۲۳). جنگ نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیرخوشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتاری موردنظر نظام حاکم تعارض دارد (همان، ۱۲۴).

۸۹

۲- نفوذ

نفوذ در لغت عربی به معنای خرق و تجاوز، اجرا، خلوص و ورود در وسط چیزی آمده است. منافذ، مجاری نفوذ و رخنه است. در فرهنگ لغت فارسی، نفوذ به معنای اثر کردن و داخل شدن در چیزی، تاثیر گذاشتن بر کسی و راه یافتن پنهانی در گروه یا جایی آمده است. معادل انگلیسی این واژه (in fluence) به معنای کنش یا قدرتی است که بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم، فرمان تولید می‌کند. نفوذ در اصطلاح اجتماعی و سیاسی به معنای رخنه در افکار و عقاید و تاثیرگذاری برای ایجاد تغییر در جهت اهداف نفوذ کننده است. جریان نفوذ نیز جریانی نرم و آرام است که در قالب جنگ نرم برای رسیدن به اهداف سلطه، غلبه و تغییر حکومت، حاکمیت، آئین، فلسفه و سبک زندگی در تمام عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون اجتماع

وارد شده و با استفاده از همه سازوکارها و براساس توجیه وسیله با هدف، فعالیت می‌کند (معین، ۱۳۸۲: ۱۰۷۳).

۳- فرهنگ

اولین تعریف انسان‌شناختی از فرهنگ توسط ادوارد بورنت تایلور در اواخر قرن نوزدهم ارائه شد. او در کتاب مهم خود به نام "فرهنگ بدوی: تحقیقی در توسعه اسطوره‌شناسی، فلسفه، دین، هنر و رسوم"، فرهنگ را "گستره‌ای پیچیده شامل دانش، باور، هنر، قانون، اخلاق، رسوم و هرگونه عادت مکتسب از سوی بشر بعنوان عضوی از جامعه" تعریف می‌کند (عمید، ۱۳۸۹: ۶۴).

۴- استحاله فرهنگی

منظور از استحاله فرهنگی؛ تلاش دشمنان یک ملت برای گرفتن اعتقادات و ارزش‌های مردم آن جامعه است. مردمی که با پشتوانه اعتقادات دینی و ملی خود سرمایه عظیمی از فرهنگ و دستاوردهای فرهنگی را با خود دارند. این فرهنگ که براساس اعتقادات دینی مردم شکل گرفته و باعث ترقی و تعالی آنها شده و می‌شود، دشمن تلاش می‌کند تا به شیوه‌های گوناگون، به جنگ فرهنگی آنان رفته و فرهنگ آنان را مورد هجوم قرار داده، و با تغییر فرهنگ آنان آن ملت را از پای در آورد، فرهنگ آنان را که در واقع هویت آن ملت است از آنها گرفته و فرهنگ دلخواه خود را جایگزین آن می‌کند در نتیجه مردم بی‌هویت شده فرهنگی وارداتی جایگزین آن خواهد شد و در واقع نوعی براندازی است که وابستگی‌های دیگر را به دنبال دارد.

پیشینه تهدید نرم و نفوذ در سال‌های اخیر

۱- قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۲۸۵)

چهار نمونه از نفوذ بیگانگان در کشور در قبل از انقلاب اسلامی به ما نشان می‌دهد که وقتی یک قدرت بیگانه بر دستگاه‌های سیاسی و فرهنگی یک کشور مسلط شود، بر سر آن کشور و آن ملت چه می‌آید. لذا به اختصار فرامینی از بیانات مقام معظم رهبری درباره تهدید و نفوذ دشمن در دوران قبل از انقلاب اسلامی را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

الف) دوران مشروطیت

در دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم قیام کردند، دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشرو آنها هم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیه‌اله آخوند خراسانی؛ در تهران سه نفر عالم بزرگ -مرحوم شیخ فضل‌اله نوری، مرحوم سید عبدالله بهبهانی، مرحوم سیدمحمد طباطبایی

پیشوایان مشروطه بودند. پشتوانه اینها هم دستگاه حوزه علمیه در نجف بود. اینها چه می‌خواستند؟ اینها می‌خواستند که در ایران عدالت برپا شود؛ یعنی استبداد از بین برود. وقتی که جوش و خروش مردم دیده شد، دولت انگلستان که آن وقت در ایران نفوذ بسیار زیادی داشت و از عواملی در میان روشنفکران برخوردار بود، اینها را دید و نسخه خودش را به اینها القاء کرد. البته در بین همان دلسوزان هم عده‌ای از روشنفکران بودند. حق آنها نباید ضایع شود؛ لیکن یک عده روشنفکر هم بودند که مزدور و خودفروخته و از عوامل انگلیس محسوب می‌شدند؛ مشروطه، قالب و ترکیب حکومتی انگلیس بود. این روشنفکران به جای اینکه دنبال دستگاه عدالت باشند و یک ترکیب ایرانی و یک فرمول ایرانی برای ایجاد عدالت به وجود آورند، مشروطیت را سر کار آوردند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این نهضت عظیم مردم که پشت سر علما و به نام دین و با شعار دین‌خواهی بود، بعد از مدت بسیار کوتاهی منتهی به این شد که شیخ فضل‌اله نوری را - که این شهید بزرگوار همین‌جا مدفون است در تهران به دار کشیدند. اندک زمانی بعد، سید عبدالله بهبهانی را در خانه‌اش ترور کردند. بعد از آن هم سید محمد طباطبایی در انزوا و تنهایی از دنیا رفت. آن وقت مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان می‌خواستند برگرداندند؛ مشروطه‌ای که بالاخره منتهی به حکومت رضاخانی شد.

(ب) دوران حکومت رضاخان

یکی دیگر از دوران نفوذ بیگانگان، دوران حکومت رضاخان است. انگلیسی‌ها قراردادی را با دولت قاجاریه در میان گذاشتند که براساس آن قرارداد، تمام مسائل مالی و تمام مسائل نظامی کشور ایران در قبضه انگلیسی‌ها قرار می‌گرفت. مرحوم سید حسن مدرس، آن عالم آگاه، با این قرارداد مخالفت کرد و نگذاشت این لایحه در مجلس شورای ملی آن روز تصویب شود. بعد که انگلیسی‌ها از اینجا محروم شدند و دیدند نمی‌شود اینطوری عمل کرد، به فکر تازه‌ای افتادند. فهمیدند باید در ایران یک دیکتاتور را بر سر کار بیاورند تا امثال مدرس‌ها را قلع و قمع کند؛ با مردم با کمال خشونت رفتار کند؛ خواسته‌های انگلیس را اعمال کند. لذا رضاخان را بر سر کار آوردند. ماجرای به سلطنت رسیدن رضاخان در ایران، یکی از ماجراهای بسیار عبرت‌انگیز تاریخ ماست. ماجرای است که همه جوان‌های این کشور، امروز باید بدانند. هرج و مرج قبل از رضاخان، به وسیله مشت پولادین رضاخان و با کمک دولت انگلیس از بین رفت و یک نظم تحمیلی و استبدادی در کشور به وجود آمد که پنجاه و پنج سال ادامه پیدا کرد. نفوذ انگلیس در دستگاه‌های سیاسی و فرهنگی کشور ما، مردم را تحت فشار قرار داد.

ج) دوران شهریور ۱۳۲۰

یکی دیگر از دوران، شهریور ۱۳۲۰ است که رضاخان به وسیله حامیان قبلی خود از سلطنت عزل شد و از ایران بیرون رفت. محمدرضا را بر سر کار آوردند؛ با قرار تسلیم محض در مقابل انگلیسی‌ها! هر کاری آنها می‌خواستند، انجام می‌داد؛ دیگر احتیاج به استعمار نبود! وقتی که یک خائن ایرانی حاضر است در مقابل کمک بیگانه، بر ملت ایران سلطنت و حکومت کند و خواسته آن بیگانه را در ایران اعمال نماید، دیگر چه لزومی دارد زحمت استعمار را به خودشان بدهند؟! اینکار را کردند.

د) دوران مرداد ۱۳۳۲

دوره چهارم جریان نفوذ، مرداد سال ۱۳۳۲ هجری شمسی بود. بعد از آنکه حکومت مصدق را سرنگون کردند. البته قبلاً مرحوم آیه‌اله کاشانی را با ترفندهای خودشان منزوی کردند، کنار زدند و با بی‌تدبیری‌هایی که انجام گرفت کنار گذاشتند- باز سر کار آمدند و وارد ایران شدند و توانستند با نفوذ خود، با ایادی خود، با فعالیت خود، کودتای ۲۸ مرداد را به وجود آورند و محمدرضا را که از ایران فرار کرده بود، به ایران برگردانند. بیست و پنج سال بعد از آن، حکومت دیکتاتوری سیاه پهلوی ادامه پیدا کرد. این چهار مقطع است؛ اینها همه عبرت‌انگیز است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۴ مهر ۱۳۷۹).

۹۲

۲- دوران انقلاب اسلامی تاکنون

در دهه‌های اخیر مقام معظم رهبری در بیانات متعددی جنگ نرم را مطرح نمودند. در همین راستا فرایند شکل‌گیری جنگ نرم از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) تهاجم امنیتی و نظامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقام معظم رهبری در بازه زمانی سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۸ همواره واژه تهاجم نظامی و امنیتی را متذکر شدند و معتقد بودند دشمن از این طریق به کشور ضربه می‌زند.

ب) تهاجم، شبیخون و قتل‌عام فرهنگی

ایشان در سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۱ به کرات واژه‌های تهاجم، شبیخون و قتل‌عام فرهنگی را در بیانات خود تعریف نمودند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط- فرهنگ فساد و فحشاء سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد، کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک "شبیخون فرهنگی" یک "غارت فرهنگی" و یک "قتل‌عام فرهنگی" است.

ج) خاکریز نرم و نفوذ فرهنگی

ایشان در سال ۱۳۷۵ مهمترین خطر نظام را نفوذ دشمنان در مراکز و خاکریزهای فرهنگی کشور برای تخریب ذهن و قلبها و ایمانهای مردم می‌دانند و می‌فرمایند «دشمن منتظر خاکریز نرم هستند تا نفوذ کنند. دشمن دنبال توقف است تا حمله کند. بهترین راه برای متوقف کردن حمله دشمن و برهم زدن آرایش او، حمله شماس است. پیشرفت شما حمله به دشمن است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت سالروز پاسدار، ۲۴ آذر ۱۳۷۵). ایشان در سال ۱۳۷۹ مسئولین کشور را به خطرات بزرگ نظام و انقلاب هشدار می‌دهند و بزرگترین آن را نفوذ فرهنگی می‌دانند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹).

د) جنگ، نبرد و ناتوی فرهنگی

ایشان نبردهای سیاسی و اخلاقی را مهمتر از جنگ‌های نظامی می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر می‌خواهید پیشرفت کنید باید مبارزه کنید باید وسط میدان بروید ... این میدان لزوماً میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهمتر از جنگ‌های نظامی، نبردهای سیاسی و اخلاقی است» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸). در سال ۱۳۸۵ نیز آنها را مجموعه زنجیره‌واری می‌دانند که علیه نظام در حال توطئه هستند: «حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا هم نیست؛ سال‌هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه زنجیره به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون که حالا اینترنت هم داخل‌اش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیون و رادیو در جهتی مشخص حرکت می‌کنند تا سررشته تحولات جوامع را به عهده بگیرند؛ حالا که دیگر خیلی هم آسان و رو راست شده است» (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۸ آبان ۱۳۸۵).

۹۳

ماهیت استحاله فرهنگی

استحاله فرهنگی ماهیت متنوع و چندبعدی دارد. نیروهایی که از قابلیت لازم برای نقش‌آفرینی در سیاست بین‌الملل برخوردارند، تلاش دارند تا الگوی کنش خود را براساس راهبرد غیرمستقیم مورد پیگیری قرار دهند. بنابراین استحاله فرهنگی را باید راهبرد غیرمستقیم مجموعه‌هایی دانست که درصددند تا زمینه‌های کنترل فرهنگی از طریق اقلان‌سازی گروه‌های شهروندی و بیگانه‌سازی آنان با مولفه‌های مذهبی را فراهم سازند. در تبیین این موضوع مقام معظم رهبری تأکید دارند که: بسیاری از این جنجال‌های سیاسی و تبلیغات که عمدتاً به وسیله بوق‌های اجنبی در داخل کشور ما فضا را آلوده می‌کنند و آلودگی فرهنگی و آلودگی صوتی معنوی به وجود می‌آورند، برای این است که موقعیت‌ها شناخته نشود؛ یعنی افراد ندانند که در چه موقعیتی قرار

دارند. می‌بینید که گاهی اوقات جنجال‌های سیاسی موسمی به وسیله گروه‌ها و عناصر مختلف و بعضی از دستجات و جناح‌های گوناگون سیاسی در کشور راه می‌افتد. اینها بلندگو هستند. گوینده‌ها غالباً مربوط به دشمنان آن سوی مرزها هستند که مسأله‌ای را وسط ذهنیت مردم پرتاب می‌کنند تا ذهن آنها را مشغول کند و به دنبال آن، موقع‌شناسی از بین برود و جایگاه زمانه، نیاز زمانه، موقعیت فعالیت و عمل - اینکه امروز کشور به چه کاری احتیاج دارد- به دست فراموشی سپرده شود. بسیاری از نقش‌های فرهنگی دشمن در این زمینه است (امام خامنه‌ای در دیدار گروه کثیری از پرسنل نیروی هوایی، ۱۹ بهمن ۱۳۷۹).

مقابله با هنجارهای اسلامی در فرایند استحاله فرهنگی، ممکن است ماهیت تهاجمی داشته باشد. به عبارتی دیگر الگوی کنش بازیگران فرادست در سیاست بین‌الملل ماهیت دوگانه دارد. چنین فرایندی بخشی از واقعیت معطوف به کاربرد سیاست قدرت برای انقیاد فرهنگی و راهبردی محسوب می‌شود. در تبیین چنین شاخص‌هایی، مقام معظم رهبری بر چنین موضوعی تأکید داشتند که: «اهانت به اسلام را شروع کرده‌اند و آن را یک سیاست قرار داده‌اند». البته وقتی دینی مانند اسلام، در نظر یک جامعه یک میلیاردی مقدس است و مایه حرکت آن جامعه عظیم هم همین دین است، اهانت به آن کار سختی است. جرأت نمی‌کنند صریحاً به اسلام اهانت کنند. می‌بینید که حتی روسای جمهور آمریکا و بعضی از کشورهای گردن کلفت هم، دیگر جرأت نمی‌کنند نسبت به اسلام، صریحاً دشمنی و مستقیماً اهانت کنند. به همین سبب، نشستند و راهی پیدا کردند: بر آن شدند افرادی را پیدا کنند که سپر بلایشان باشند و از آنها بخواهند که در لباس روشنفکر، شاعر و نویسنده، به اسلام اهانت کنند، تا «آرام آرام اهانت به اسلام باب و رایج شود. این، کاری بود که به وسیله کتاب آیات شیطانی آن شخص مرتد شروع شد» (امام خامنه‌ای دیدار ائمه جماعات و روحانیون و مبلغین، ۲۵ بهمن ۱۳۷۱).

قرآن و کعبه و فرائض و عقاید، همه مشترکند؛ اما هر کدام از اینها، یک بعد از شخصیت انسان- مثل اعتقاد، محبت، گرایش روحی، حالت تقلید و تشبه و تخلق عملی را به خود متوجه می‌کند. وانگهی در میان مسلمانان- ها، غالب این چیزهایی که گفته شد، با تفسیرها و دیدگاه‌های مختلف مورد توجه است؛ اما آنچه که همه مسلمانان از لحاظ فکر و اعتقاد و مهمتر از عاطفه و احساس وحدت و تفاهم، روی او اشتراک دارند، وجود مقدس پیامبر خاتم و نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان و روشن ضمیران ۴۰ کشور جهان، ۴ اسفند ۱۳۶۸). برای مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری مانند استحاله فرهنگی، سازوکارهای متنوعی از سوی مقام معظم رهبری تبیین گردیده است. ایشان بر این موضوع تأکید داشته‌اند که: این نقطه را باید بزرگ شمرد. این محبت را باید روزبه‌روز بیشتر کرد و این گرایش معنوی و روحی به آن وجود مقدس را باید در ذهن مسلمین و در دل آحاد مردم تشدید کرد. شما می‌بینید که در توطئه و تهاجم فرهنگی به اسلام، یکی از قسمت‌هایی که مورد توطئه خباثت‌آمیز دشمن قرار می‌گیرد، همین

وجود مقدس و بزرگوار است که در آن کتاب شیطانی مورد تهاجم قرار گرفت و نشان داد که توطئه دشمن در مجموعه عقاید و عواطف ملت مسلمان، به کجاها ناظر است.»

فرآیند استحاله فرهنگی

استحاله فرهنگی بعنوان یکی از نشانه‌های افول اهداف راهبردی کشورها و واحدهای سیاسی محسوب می‌شود. هر کشوری که در معرض قدرت و کنش معطوف به امنیت‌سازی قرار گیرد، نیازمند بهینه‌سازی موقعیت خود از طریق گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی است. براساس چنین نشانه‌هایی، هرگونه امنیت‌سازی و مقابله با تهدیدات نیازمند درک الگوهای رفتاری و تاکتیک قدرت‌های بزرگ برای کنترل موضوعات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. استحاله فرهنگی را باید بعنوان یکی از مولفه‌هایی دانست که در زمره الگوهای راهبردی قدرت‌های بزرگ به ویژه جهان غرب در برخورد با محیط پیرامونی انجام می‌پذیرد. مقام معظم رهبری در ارتباط با ضرورت‌های درک و شناخت تهدیدات نرم‌افزاری از جمله استحاله فرهنگی تأکید داشتند که: جهان غرب قبلاً ما را به تهاجم نظامی تهدید می‌کردند؛ اما الان اعتراف می‌کنند که نقشه قبلی‌شان غلط بوده است. آنها می‌گویند نقشه باید این باشد که ما بتوانیم از درون، ملت ایران را استحاله کنیم؛ آنها دنبال این هستند. استحاله هم دو جریان دارد: یک جریان فرهنگی، یک جریان سیاسی؛ ۹۵ ملت ایران متوجه باشد. قصد نظام استکباری امریکا و صهیونیست‌هایی که دستشان در دست آنهاست و با هم در یک جبهه هستند، این است که بتوانند ملت را نسبت به آرمان‌ها و عقاید و هدف‌های بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کنند و بعد بتوانند به وسیله عوامل و مزدوران خود زمینه را برای بازگشت سیطره امریکا بر ایران فراهم نمایند (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۳۰ خرداد ۱۳۸۰).

فرایند استحاله فرهنگی ماهیت تاکتیکی، تغییریابنده و دگرگون شونده دارد. از سوی دیگر باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد که تاکتیک استحاله فرهنگی معطوف به کنش بازیگرانی می‌باشد که تلاش دارند تا زمینه‌های لازم برای کنترل محیط راهبردی را به وجود آورند. به عبارتی دیگر استحاله فرهنگی در زمره سازوکارهای مقابله با قدرت راهبردی کشورهای هدف از طریق اقدامات نرم‌افزاری می‌باشد. در این ارتباط، مقام معظم رهبری تأکید دارند که: توجه کنید که گرایش تبلیغی دشمنان ما فقط این نیست که به نظام اسلامی «فحاشی کنند یا بد بگویند یا یک تهمت سیاسی بزنند امروز دشمنان ما به شکل مبنایی با مباحثی که پایه جمهوری اسلامی است دارند دست و پنجه نرم می‌کنند به قول خودشان دارند تفکر ضد جمهوری اسلامی را تئوریزه می‌کنند در واقع برای تفکر سیطره استکباری دنیای استکبار و در رأس آنها امریکا بر همه جهان دارند پایه فکری درست می‌کنند آنچه مربوط به ایمان مردم است آنچه مربوط به حقانیت اسلام و

قرآن و احکام الهی است آنچه مربوط به درآمیختگی و وحدت دین و سیاست است آنچه مربوط به مبانی خاص جمهوری اسلامی است همه اینها مورد چالش است و این چالش به شکل بسیار جدی دارد دنبال می‌شود (امام خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۷ شهریور ۱۳۸۴).

این تبلیغات فرهنگی و این تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست؛ آنچه که جدید بود - که ما در این چند سال بر روی آن تکیه کردیم روش‌های نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریعتر و همه گیرتر و همه جایی‌تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی، که فکر می‌کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند - که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده‌اند - و همه کارهایی را که می‌توانستند، انجام دادند؛ برای اینکه جلو این سخن نو را - یعنی اینکه باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسان‌های پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد - بگیرند. این سخن نو چیزی است که هر صاحب قدرتی را در دنیا تکان می‌دهد و هر دستگامی را که از قدرت، انتفاع مادی می‌برد، دچار وحشت می‌کند (امام خامنه در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷ بهمن ۱۳۷۹).

نشانه‌های استحاله فرهنگی

۹۶

مقوله استحاله فرهنگی از عناوینی است که معاندین با هدف نفی ارزش‌ها و هنجارهای دینی و فرهنگی از حیات مردم در اولویت فعالیت‌های خویش قرار داده‌اند و در همین راستا از راهکارهای متعددی بهره می‌گیرند، این موضوع نیازمند به سازوکارهای مختلفی است که معظمله در رهنمودهای خویش به این عوامل و عناصر نشانه‌های استحاله فرهنگی اشاره نمودند:

۱- تضادهای سیاسی بین گروه‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه آسیای جنوب غربی (انشعاب در بین جوامع اسلامی): مقام معظم رهبری موضوع تضادهای سیاسی بین گروه‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه آسیای جنوب غربی را بعنوان زمینه‌ساز گسترش چنین تضادهایی تلقی می‌کنند. ایشان بر این اعتقادند که هرگونه تضاد فرهنگی می‌تواند آثار و پیامدهای مخاطره‌آمیزی را در محیط اقتصادی، سیاسی و امنیتی داشته باشد. ایشان درباره فرایندهای ایجاد انشعاب در بین جامعه و گروه‌های اسلامی بر تهدیدات نرم‌افزاری دشمن تأکید داشته و آن را برای تلاشی سازمان یافته برای کاهش قابلیت مقاومت بازبگران منطقه‌ای تلقی نموده‌اند. مقام معظم رهبری در بیان چنین تهدیدی تأکید داشتند که: امروز یک دشمن بزرگی وجود دارد که نه سنی است، نه شیعه، نه به هیچ یک از فرق اسلامی اندک گرایشی دارد؛ اما به سنی نزدیک می‌شود یک جور تلقین می‌کند، به شیعه نزدیک می‌شود یک جور تلقین می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر، ۸ خرداد ۱۳۷۳). ایشان همچنین درباره ضرورت درک دقیق‌تر نسبت به

سیاست جهانی برای ایجاد اختلاف بین گروه‌های اسلامی بر این موضوع تأکید داشتند: برای اینکه بین اینها اختلاف و دعوا و جنگ به راه بیندازد. باید مواظب آن دشمن بود. دشمنان اسلام و مسلمین بر تفرقه قرار گرفته است؛ می‌خواهند بین مسلمان‌ها ایجاد اختلاف کنند. این برای آنها از هر جنگ نظامی، از هر حرکت سیاسی، از هر چالش اقتصادی باصرفه‌تر است، (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج، ۲۳ آبان ۱۳۸۶).

۲- بی‌اثرسازی روح مقاومت و اعتماد به نفس: یکی دیگر از نشانه‌های استحاله فرهنگی را باید بی‌اثرسازی روح مقاومت، اعتماد به نفس و خودکفایی در کشورهای منطقه‌ای دانست. راهبرد بنیادین جهان غرب بر این امر قرار گرفته است که نمی‌توان نیازهای عمومی کشورهای منطقه‌ای را براساس توازن تنظیم نمود. آنان گسترش تضاد بین بازیگران منطقه‌ای برای فرسایش قدرت نیروهایی تأکید دارند که می‌توانند در فضای راهبردی از جایگاه موثر و منظمی در بازسازی قدرت نظام جهانی برخوردار شود. مقام معظم رهبری درباره ضرورت مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری از طریق مقابله با استحاله فرهنگی بر این موضوع تأکید داشتند که: «بزرگترین جنایت استعمار و ایادی خائن آن که در طول سال‌های متمادی بر کشورهای اسلامی حکومت کردند این بود که روح دفاع و سلحشوری را در ملت‌ها کشتند، و آنان را به شعارهای پوچ، مثل قومیت و ملیت‌های افراطی سر گرم کردند؛ لذا می‌بینید که تقریباً از دو قرن پیش، دشمنان ملت‌های اسلامی به ۹۷ کشورهای آنها سرازیر شدند و هر وقت بنحوی آنها را تحقیر و ذلیل و غارت کردند و رفتند و ملت‌ها همینطور آنها را تماشا و تحمل کردند. کار به آنجا رسید که امروز می‌بینید ملت‌های مسلمان، جزء ضعیف‌ترین ملت‌های جهان هستند؛ در حالیکه اسلام در بطن خود، دارای قدرت و عزت و کرامت است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از رزمندگان و بسیجیان به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس، ۳ مهر ۱۳۷۰).

۳- گسترش آفت‌های اجتماعی و هنجاری: استحاله فرهنگی از طریق گسترش آفت‌های اجتماعی و هنجاری به وجود می‌آید. بطورکلی، جهان غرب بعنوان بخشی از نظام فرادست در سیاست بین‌الملل برای تثبیت موقعیت خود از ابزارهای فرهنگ اجتماعی و عمومی بهره می‌گیرد. در این فرایند به هر میزان که نشانه‌های گسست فرهنگی در جامعه‌ای افزایش پیدا کند، امکان مقاومت در بین گروه‌های اجتماعی نیز بگونه قابل توجهی کاهش خواهد یافت. در این ارتباط مقام معظم رهبری تأکید داشته‌اند که: «با آفت‌های اخلاقی و فرهنگی دارند کار می‌کنند. حرف‌هایی که ما گاهی اوقات می‌گوییم، حمل بر تخمین و حدس می‌شود؛ اما بعد خوشبختانه خدای متعال برای حفظ آبروی ما شواهد علمی و عینی‌اش را هم می‌فرستد؛ اگرچه از اولی هم که ما می‌گوییم، صرفاً حدس نیست؛ مبتنی بر گزارش و کار تحلیلی است. بنده بارها گفته بودم که دشمنان ملت ایران بیش از آنچه به توپ و تفنگ و این چیزها احتیاج داشته باشند، به اشاعه بنیان‌های

فرهنگی فاسدساز نیاز دارند. در خبرها خواندم که یکی از مسئولان یک مرکز مهم سیاسی در آمریکا گفته به جای انداختن بمب، دامن‌های کوتاه برایشان بفرستید! راست می‌گوید؛ اگر برای کشوری شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه زن و مرد و دختر و پسر را ترویج کردند و جوان را به راه‌هایی کشاندند که گزینه او هم بطور طبیعی متمایل به آن است، دیگر احتیاج به استفاده از توپ و تفنگ علیه یک ملت نیست. فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل می‌کند و آینده او را تباہ می‌سازد» (دیدار مقام معظم رهبری با وزیر علوم و روسای دانشگاه‌های کشور، ۱۷ دی ۱۳۸۳).

۴- ترویج گسترش ارزش‌های غیراسلامی: یکی از کارهای استعمارگران در جوامع اسلامی، این بوده است که خواسته‌اند کاری کنند که مردم مسلمان، در هر طبقه و رتبه‌ای از اهمیت و مسئولیت در زندگی و جامعه، خودشان را به ارزش‌های غیراسلامی نزدیک‌تر کنند. یعنی لباس‌شان مثل لباس آنها، رفتارشان مثل رفتار آنها، بینش‌شان مثل بینش آنها و اعمال‌شان هم مثل اعمال آنها باشد. در واقع، ارزش‌های آنها را ارزش بشمارند، ضدارزش‌های آنها را ضد ارزش به حساب آورند و از اسلام یادشان نیاید. سعی کردند اینکار را بکنند. متأسفانه، آنها در اکثر مناطق اسلامی، در طول سال‌های استعمار و ورود فرهنگ استعماری به کشورهای اسلامی، موفق هم شدند. لباس‌ها را عوض کردند، رفتارها را عوض کردند، آداب زندگی را عوض کردند، بینش‌ها را عوض کردند و مسلمانان را از اسلام دور، و به آنچه که ضد اسلام و غیراسلام است، نزدیک نمودند. امروز هم که ملت ایران اصرار دارد و پافشاری می‌کند بر اینکه مواضع اسلامی، ارزش اسلامی و فرهنگ اسلامی را در رفتار خود، در حرکات خود، در لباس خود، در برخورد جهانی خود و در گزینش دوست و دشمن خود رعایت کند، بیشترین حمله‌ها را برای همین می‌کنند. تمام دنیای غرب و مطبوعات آنها و این نویسندگان قلم به مزد و عامل سرمایه‌داران و صهیونیست‌های بزرگ جهانی، دست به دست هم داده‌اند تا جمهوری اسلامی را هتک کنند. مسأله حجاب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند تا شاید ما را از میدان خارج کنند. علیرغم تبلیغات آنها، ایران اسلامی و زن مسلمان، پایبندی خود را به مسأله حجاب و حیثیت اسلامی زن مسلمان و آموزش اسلام در مورد زن، با قدرت و قاطعیت و روح اعتماد و اطمینان به خود حفظ کرد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در روز عید غدیر، ۸ خرداد ۱۳۷۳).

اهداف دشمن در استحاله فرهنگی

برای دسترسی دشمن به اهداف خود، روش نفوذ از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ لیکن این نفوذ، بسته به شرایط مختلف، دارای ابعاد متفاوتی است. در گذشته که روش مقابله دشمن، جنگ سخت بود، نفوذ نظامی و رخنه در دیوار دفاعی بکار گرفته می‌شد؛ اما امروز با پایان جنگ سخت، کارکرد نفوذ در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، علمی، اقتصادی، امنیتی و ... نمایان است. دشمن با نفوذ در ابعاد

مختلف در تلاش است تا افکار، عقاید، عواطف و احساسات ملت‌ها را تغییر دهد و از درون استقامت و مقاومت ملت را خرد کرده و از هم بپاشد. در تاریخ معاصر، استعمارگران به ویژه آمریکا، دشمن اول اسلام هستند. تاکید امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری مبنی بر شیطان بزرگ خواندن آمریکا و تاکید در خصوص نفوذ کشورهای مذاکره کننده با ایران بویژه آمریکا، به واسطه توافق هسته‌ای برجام، موید این سخن است.

باتوجه به اینکه مقابله دشمن با اسلام در روش‌ها و ابعاد مختلفی صورت می‌گیرد و نفوذ فرهنگی بعنوان یکی از مهمترین رویکردهای تقابل‌گرایانه دشمن به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب در بیانات‌شان بارها به مقوله فرهنگ اشاره و در اینباره از واژه‌هایی نظیر: تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، استحاله فرهنگی، تسلط فرهنگی و ... استفاده فرموده‌اند. که ایشان در یک ساله اخیر بر اهمیت آن تاکید و اهداف دشمن از رخنه فرهنگی را به مسئولان و مردم متذکر شده‌اند. دشمن از نفوذ فرهنگی، اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱- **تغییر باورها و عقاید دینی:** نفوذ فرهنگی لایه‌های مختلفی دارد که مهمترین نقطه رخنه در نفوذ فرهنگی، رخنه در باورهای دینی جامعه اسلامی است؛ زیرا وقتی باورها سست می‌شود به راحتی می‌شود آن جامعه را مورد سلطه قرار داد. دشمن برای تغییر باورهای دینی و انقلابی از هر ابزار و دستاویزی استفاده می‌کند. به فرموده رهبر معظم انقلاب: «دشمن با نفوذ فرهنگی سعی می‌کند باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی که توانسته این جامعه را سر پا نگه‌دارد، جابجا کند، خدشه در آنها وارد کند و اختلال و رخنه در آنها به وجود آورد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۲۵ شهریور ۱۳۹۴).

«باورهای مردم باید عوض بشود. باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به انقلاب سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۳ خرداد ۱۳۹۵). در صدر اسلام، دشمنان بویژه یهودیان مدینه با نفوذ در جامعه نوپای اسلامی و شبیه‌پراکنی در مسائل اعتقادی، باعث شدند برخی افراد ضعیف‌الایمان، از عقاید و باورهای خود دست بردارند. برای نمونه یکی از این شبهات، دادن نسبت فقر به خداوند متعال بود. درست در زمانی که مسلمانان احتیاج به کمک‌های مالی داشتند یهودیان شبیه بسته بودن دست خدا را مطرح کرده، گفتند: اگر دست خدا باز بود، خودش به مسلمانان کمک می‌کرد (همان).

۲- **تغییر ذائقه فرهنگی مردم:** یکی از مهمترین اهداف نفوذ فرهنگی در جامعه، زمینه‌سازی برای تغییر ذائقه فرهنگی مردم است با روش‌هایی مانند تخریب اخلاق، بی‌اعتنایی به هویت ملی، دلبستگی به ارزش‌های اسلامی و ... آنان در بلندمدت به صورت خزانده، آرام آرام و تدریجی ذائقه عمومی جامعه را تغییر داده و در

جهت‌گیری‌های کلان جامعه تغییر ایجاد می‌کنند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «از نفوذ ناامید نیستند. می‌خواهند نفوذ کنند. می‌خواهند دل‌ها را تسخیر کنند. می‌خواهند ذهن‌ها را تغییر بدهند».

۳- **ترویج سبک زندگی غیراسلامی:** یکی از اهداف نفوذ فرهنگی، تغییر سبک زندگی افراد جامعه مخصوصاً از سبک اسلامی و قرآنی به سمت سبک غربی است. دشمن با نفوذ خود درصدد است گفتمان خود را بر فرد، گروه و یا جامعه تحمیل کند و گفتمان اسلامی را از دایره رقابت بیرون نماید. خداوند به پیامبر می‌فرماید (۱۲۰ بقره) (و هرگز یهودیان و مسیحیان از تو راضی نمی‌شوند مگر آنکه از کیش و آئین آنان پیروی کنی. بگو: در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است و اگر پس از آن عملی که تو را حاصل شد، از هوس‌های آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت. مسلمانان از همان صدر اسلام در زندگی خود، از بسیاری رذایل اخلاقی دوران جاهلیت فاصله گرفتند و می‌کوشیدند خود را به صف مومنین که در سوره مومنون مفصل به آن پرداخته شده بود نزدیک کنند. یهود که از پایبندی به تعالیم دین خود فاصله گرفته بود سعی در ریختن قبح مسائل اخلاقی بین مسلمانان داشت که این اقدامات آنها باعث تبعیدشان توسط پیامبر از مدینه گردید).

۱۰۰ ارکان اساسی مقابله با تهدید و نفوذ دشمن

مقام معظم رهبری در در راستای مقابله با تهدید دشمن، ارکان اساسی مقابله با نفوذ دشمن را به شرح ذیل بیان نمودند:

۱- تقویت باورها، آموزه‌ها و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی: «انقلاب یک امر مستمر است. انقلاب چه کار می‌کند؟ کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد ترسیم آرمان‌هاست». «حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم حیات طیبه است». حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی همه این چیزهایی که بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد. مثلاً عزت ملی جزء حیات طیبه است، استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان و به دیگران جزء حیات طیبه است. حیات طیبه را فقط در عبادات و کتاب‌های دنیا نباید جستجو کرد، واقعیات زندگی اینهاست. حیات طیبه یک ملت، از جمله این است که این ملت، عزیز زندگی کند، سربلند زندگی کند، وابسته نباشد، مستقل زندگی کند. باید پایه‌های تفکر و روحیه انقلابی را چنان در کشور مستحکم کنیم که هیچ چیز در ادامه این مسیر درخشان خللی ایجاد نکند که این وظیفه اساسی همه نخبگان است.

۲- تاکید بر استقلال خواهی به مثابه آزادی ملی در نظام جهانی: استقلال، آزادی در ابعاد یک ملت است ... استقلال یعنی آزادی، منتها نه آزادی یک شخص آزادی یک ملت؛ از تحمیل‌ها، توسری زدن‌ها، عقب‌نگه داشتن‌ها، استثمارها و تسمه کشیدن از گرده ملت‌ها.

۳- ایمان به غیب و محدود نمودن به محاسبات مادی: من همینجا تاکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت‌های الهی را، سنت‌هایی که خدا از آنها خبر داده است. آن چیزهای را که با چشم دیده نمی‌شود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: «ان تنصرو الهه ینصرکم یشیت اقدامکم»، (سوره محمد، آیه ۷). دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد، این سنت الهی است این غیرقابل تغییر است (مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۱۳۹۳).

۴- مقابله با یاس و نومیدی و ایجاد امید به آینده: دشمنان نظام و انقلاب اسلامی و سیاستمداران استکبار جهانی سعی می‌کنند با بزرگنمایی برخی نارسایی‌ها و ضعف مدیریت‌ها مردم ایران و دیگر جوامع اسلامی را نسبت به پویایی، تحرک و هدفمند بودن برنامه انقلاب و نظام اسلامی دل‌سرد و مایوس نماید. تک‌تک آحاد مردم باید امید به آینده و خوشبینی نسبت به آن را علیرغم میل دشمن، در دل‌هایشان نگه دارند، چون دشمن می‌خواهد امید را در دل‌ها بمیراند. می‌داند که بزرگترین دشمن او امیدواری شماست. شما اگر ناامید شدید، دشمن نفس را حتی خواهد کشید (مقام معظم رهبری در دیدار اعضای نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴).

پیشنهادهای راهبردی

- ۱- بالابردن سطح دانش اسلامی و اعتقادی مردم و عمق بخشیدن به آن در قالب تشکل‌های دینی، مذهبی و ملی؛
- ۲- ایجاد زمینه رشد معنوی در تحکیم مبانی با تبیین اهداف و مواضع عقیدتی و سیاسی انقلاب اسلامی؛
- ۳- ایجاد بصیرت علمی و اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور؛
- ۴- ایجاد بسترهای مناسب در خصوص امکانات علمی و غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان؛
- ۵- اتحاد مردم و جریان‌های سیاسی و دوری از اختلاف، راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی؛
- ۶- داشتن شرح صدر سیاسی با نگاه مستفسرانه به اوضاع کشور؛
- ۷- اشتغال‌زایی مناسب برای جوانان و تسهیل شرایط ازدواج برای محو عوامل فساد فرهنگی و اخلاقی؛
- ۸- حرکت رویکردهای فرهنگی انقلاب از مسیر انفعالی به سوی دفاع و سپس تهاجم متقابل؛
- ۹- حضور فعال ایرانیان در فضای اینترنتی برای پاکسازی سایت‌های فارسی زبان از انحرافات و ایجاد فضای مجازی بدون دغدغه برای گسترش و نشر قوانین و معارف اسلام.

نتیجه‌گیری

استحاله فرهنگی را باید بعنوان یکی از مولفه‌هایی دانست که در زمره الگوهای راهبردی قدرت‌های بزرگ بویژه جهان غرب در برخورد با محیط پیرامونی انجام می‌پذیرد. مقام معظم رهبری در ارتباط با ضرورت‌های درک و شناخت تهدیدات نرم دشمن از جمله استحاله فرهنگی تأکید داشتند که جهان غرب قبلاً ما را به تهاجم نظامی تهدید می‌کردند؛ اما الان اعتراف می‌کنند که نقشه قبلی‌شان غلط بوده است. آنها می‌گویند نقشه باید این باشد که ما بتوانیم از درون، ملت ایران را استحاله کنیم. دشمن همواره در تلاش است برای بسط و گسترش تهدید خود در گام اول بر جوامع هدف و در درجه بعد بر تمام جهان دست پیدا کند و با سود جستن از فناوری برتر و قدرت ارتباطی و رسانه‌ای خود، سیاست‌های استعماری نوینی را به مرحله اجرا بگذارد و از آنجا که فرهنگ بن‌مایه شکل‌گیری باور، اندیشه، ارزش و رفتارهای اجتماعی است غرب جهت‌گیری سلطه‌گرانه خود را از مسیر استحاله کردن فرهنگ بومی و اشاعه اندیشه اومانیستی در چارچوب ایدئولوژی لیبرال دموکراسی دنبال می‌کند.

در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری همه مسئولان، نخبگان، تصمیم‌گیران و عوام مردم باید در مقابله با هرگونه تهدید نرم دشمن جهت از بین بردن ارزش‌های انقلابی و اسلامی کشور باید هوشیار باشند. دشمن می‌خواهد این فرهنگ که براساس اعتقادات دینی مردم شکل گرفته و باعث ترقی و تعالی آنها شده و می‌شود، دشمن تلاش می‌کند تا به شیوه‌های گوناگون، به جنگ فرهنگی آنان رفته و فرهنگ آنان را مورد هجوم قرار دهد و با تغییر فرهنگ آنان آن ملت را از پای درآورد، فرهنگ آنان را که در واقع هویت آن ملت است از آنها گرفته و فرهنگ دلخواه خود را جایگزین آن می‌کند در نتیجه مردم بی‌هویت شده فرهنگی وارداتی جایگزین آن خواهد شد و در واقع نوعی براندازی است که وابستگی‌های دیگر را به دنبال دارد.

فهرست منابع

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان و روشن ضمیران ۴۰ کشور جهان، ۴ اسفند ۱۳۶۸.
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از رزمندگان و بسیجیان به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس، ۳ مهر ۱۳۷۰.
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جماعات و روحانیون و مبلغین، ۲۵ بهمن ۱۳۷۱.
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در روز عید غدیر، ۸ خرداد ۱۳۷۳.
- ۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت سالروز پاسدار، ۱۴ آذر ۱۳۷۵.
- ۶- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از پرسنل نیروی هوایی، ۱۹ بهمن ۱۳۷۹.
- ۷- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم قم، ۱۴ مهر ۱۳۷۹.

- ۸- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۹- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷ بهمن ۱۳۷۹.
- ۱۰- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۳۰ خرداد ۸۰.
- ۱۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر علوم و روسای دانشگاه‌های کشور، ۱۷ دی ۱۳۸۳.
- ۱۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۸ آبان ۱۳۸۵.
- ۱۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران فرهنگی و اجرائی حج، ۲۳ آبان ۱۳۸۶.
- ۱۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸.
- ۱۵- مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴ خرداد ۱۳۹۳.
- ۱۶- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۲۵ شهریور ۱۳۹۴.
- ۱۷- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، شهریور ۱۳۹۴.
- ۱۸- ساندرس، فراد (۱۳۸۲)، **جنگ سرد فرهنگی**، تهران: انتشارات غرب‌شناسی.
- ۱۹- علیمردانی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، **دکترین جنگ نرم با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری**، البرز: انتشارات الماس.
- ۲۰- عمید، حسن (۱۳۸۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: فرهنگ اندیشمندان.
- ۲۱- کرمی، مهدی (۱۳۸۷)، **قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات و تحقیقات ۱۰۳ بسیج، ج ۲.
- ۲۲- معین، محمد (۱۳۸۲)، **فرهنگ فارسی معین**، تهران: انتشارات زرین.